

فرازهایی از تاریخ ترجمه در ایران (۲)

از خومس تا هولمس یا وقتی گذر شرلوک هولمز به ایران افتاد...

مرتضی سیدی نژاد

روایت موسوم به پلیس لندن که از رومن های شیرین
و حکایت های غریب می باشد یکی از دانشمندان مصری
از لغت انگلیسی به عربی تعریب نموده چنانکه در
مقدمه ذکر نموده و این بنده محتاج کتبا کار
عبدالحسین بن المغفور مؤید الدوله القاجار محض
عموم فایده روایت مزبور را از عربی
بفارسی ترجمه نمود که فارسی زبانان
صاحب ذوق نیز از آن بهره مند
و خرسند گردند فرقی که در
میان هست فاضل معرب
با جمع بودن جمیع
لوازم بتعریب
ان پرداخته
و این فقیر
با وجود جمیع موانع
بترجمه آن اقدام نمود

«روایت موسوم به پلیس لندن که از رومن های شیرین و حکایت های غریب می باشد، یکی از دانشمندان مصری از لغت انگلیسی به عربی تعریب نموده... و این بنده محتاج گناهکار عبدالحسین بن المغفور مؤیدالدوله القاجار محض عموم فایده، روایت مزبور را از عربی به فارسی ترجمه نمود که فارسی زبانان صاحب ذوق نیز از آن بهره مند و خرسند گردند. فرقی که در میان هست فاضل معرب با جمع بودن جمیع لوازم به تعریب آن پرداخته و این فقیر با وجود جمیع موانع به ترجمه آن اقدام نمود.»

این کَل مقدمه ای است که مؤیدالدوله قاجار بر ترجمه اش نوشته است. ترجمه ای که برای اولین بار پای شرلوک هولمز را به

زندگی ما ایرانیان باز کرد. ای کاش اما مؤیدالدوله مقدمه طولانی تری می نوشت تا بدانیم موانعی که بر سر راه ترجمه اش از آنها یاد کرده است، چه بوده اند. سال ۱۸۸۸ میلادی مقارن



با ۱۲۶۷ خورشیدی / ۱۳۰۶ قمری، سر آرتور کانن دوویل نخستین کتابش را به نام *A Study in Scarlet* منتشر کرد. (۱) تا قبل از این کتاب، او که به طبابت اشتغال داشت، مقاله‌ها و داستان‌هایی نه چندان موفق را در نشریات انگلیسی آن زمان چاپ کرده بود؛ اما با این اولین کتابش بود که کارآگاه خصوصی شرلوک هلمز و دوست و دستیارش دکتر واتسون معرفی شدند. شخصیت‌هایی که شهرت آنها بسیار فراتر از خالقشان رفت آنچنان که وقتی نویسنده خواست سر شرلوک هلمز را زیر آب کند تا از دستش خلاص شود و فرصت بیشتری برای کارهای ادبی به قول خودش جدی‌تر داشته باشد، خیل

دوست‌داران هلمز نخواستند و نگذاشتند که این اتفاق بیفتد.

هلمز وقتی وارد ادبیات شد، ناصرالدین شاه برای سومین بار به فرنگستان سفر کرده بود؛ اما بعید است از وجود این مفتش انگلیسی خبردار شده باشد. هلمز از آن پس باید در هفت مجموعه از داستان‌های کوتاه و بلند حضور پیدا می‌کرد و یک‌بار هم می‌مرد و زنده می‌شد تا سرانجام به ایران برسد و در ترجمه وفادارانه مؤیدالدوله از نخستین کتاب کانن دوویل که به نام «پلیس لندن»، آن هم از عربی به فارسی، ترجمه شد به خواننده ایرانی معرفی شود. مؤیدالدوله شاید به نشانه وفاداری به متن حتی مقدمه مترجم عربی داستان را هم ترجمه کرده و در ابتدای کتابش گذاشته است. در مؤخره کتاب هم تاریخ اتمام ترجمه‌اش را «عصر شنبه پانزدهم ذی‌القعدة الحرام سنه ۱۳۲۲» گزارش کرده که برابر است با اول بهمن ۱۲۸۳؛ یعنی زمانی که ایران در آستانه انقلاب مشروطه بود. عبدالحسین میرزا مؤیدالدوله از مترجمان پرکار اواخر دوره قاجار است که تقریباً تمامی ترجمه‌های او از زبان عربی است. ترجمه تعداد زیادی از آثار جرجی زیدان، سه اثر از

الکساندر دوما و طبایع الاستبداد از عبدالرحمن کواکبی را در کارنامه دارد و نقل است که دوران سالخوردگی اش در کالج آمریکایی تهران، به تدریس فارسی و عربی گذشته است. (۲) «پلیس لندن» را مطبعه خورشید چاپ کرده که از نخستین ناشران غیردولتی ایران است. میرزا ابراهیم خان عکاسباشی که نخستین فیلمبردار ایرانی به حساب می‌آید در سفر اول مظفرالدین شاه به فرنگ علاوه بر اسباب سینماتوگراف، دستگاه چاپ هم به ایران وارد و در کاخ گلستان راه‌اندازی کرد. او در سفر دوم شاه به فرنگ برای خود نیز یک دستگاه چاپ به سوغات آورد و با همین دستگاه بود که در تأسیس مطبعه خورشید مشارکت داشت. (۳)



شاید از علاقه گردانندگان مطبعه خورشید به شرلوک هلمز بود یا از اقبال خوانندگان به داستان «پلیس لندن» که یک سال بعد؛ یعنی ۱۳۲۳ق / ۱۲۸۴ش، ترجمه دیگری از ماجراهای شرلوک هلمز، این بار از روسی به فارسی، در همان مطبعه منتشر می‌شود. روی جلد آمده است: «کتاب شرلوک خومس»، جلد اول از مصنفات کونان دوویل مفتش غیررسمی در لندن، مترجم: میراسماعیل عبدالله زاده، طهران، در مطبعه خورشید بطبع رسید، سنه ۱۳۲۳. این ترجمه که حرف «خ» در «شرلوک خومس» آن سوغات زبان روسی است شامل سه داستان است: «واقعه عینک طلایی»، «شرح حالات شارل

آوغوست میل ویرطون» و «خواتین دهات». مترجم در مقدمه‌ای که بر این داستان‌ها نوشته است از منبع ترجمه‌اش چنین یاد می‌کند:

شرح احوال و سرگذشت شرلوک خومس که از لغت انگلیسی به روسی نقل شده بود این بنده میراسماعیل الموسوی محض خدمت به اینای وطن آن را از روسی به فارسی نقل و ترجمه نمود که فارسی‌زبانان محترم از مطالعه آن لذت برده ضمناً معلوم دارند که

خداوند عالمیان چه مایه هوش و فطانت در نهاد بنی آدم به ودیعت نهاده، امید که در خدمت افاضل هنرپرور مطبوع طبع و منظور نظر گردد.

میراسماعیل عبدالله زاده که عکس خود را هم در انتهای ترجمه اش گذاشته، اصلیت قفقازی داشت و از این رو مسلط به زبان روسی بود. در کارنامه او تألیف اولین کتاب های حسابداری به شیوه امروز ثبت شده است: «المقصد الاسنی»، دارالطباعة فارس، تهران ۱۳۲۳ قمری و «اصول علم دفترداری مترادف»، تهران ۱۳۲۹ قمری. (۴)
نکته جالب اینکه عبدالله زاده در مقدمه ای که بر «شرلوک خومس» نوشته او را شخصیتی واقعی دیده است و می نویسد:

یکی از اشخاص زیرک باهوش انگلستان که از ابتدای جوانی تا اواخر عمر تمامی حواس و قوای خود را به حل رموز مشکله و مهمات دقیقه مصروف داشته و در حسن فراست و دقایق تفتیش، کارهای حیرت انگیز از او به ظهور رسیده، در کثرت هوش و ذکا شهره آفاق و سرآمد ابنای روزگار گردیده بود به حدی که غالباً پلیس های لندن در کشف رموز و حل مشکلات، محتاج هوش و فراست او می شدند و در تحقیق مطالب مهمه به نزد او آمده از رأی صائب و هوش کامل او استمداد می نمودند و خود او نیز غالب اوقات به تحقیق امور مشکله و رموز مبهمه اشتغال داشت و نام او شرلوک خومس بود و این شخص باهوش و فراست را رفیقی بود از اطبای کامل که در فن طبابت و علم طب، یگانه روزگار بود و نامش دکتر واتسون و میانه او با شرلوک خومس دیرزمانی رشته مودت مستحکم و عقد الفت منعقد بود، در یک جا منزل داشتند و با هم زندگانی می نمودند تا زمانی که دست اجل گریبان حیات شرلوک خومس را چاک زده از عالم فانی به سرای دیگر منتقل گردید. اگر حیات و فرصتی باقی باشد شرح حال او در جلد دیگر ذکر خواهد شد، انشالله.

مترجم ظاهراً داستان «آخرین مسأله» را که در ۱۸۹۳ ابتدا در مجله استرنند و سپس در مجموعه خاطرات شرلوک هلمز به چاپ رسید و در آن کانن دوایل تلاش کرد با کشتن هلمز از دست او خلاص شود، خواننده و چنین پنداشته که هلمز «از عالم فانی به سرای دیگر» شتافته است؛ غافل از آنکه آقای نویسنده پس از آنکه با اصرار خوانندگان و حتی شخص ملکه انگلستان و البته پیشنهادهای سخاوتمندانه ناشران روبه رو شد، هلمز را به ترفندی زنده کرد و دوباره به این «عالم فانی» بازگرداند!

از خومس تا هولمس ۱۰۷/۱۱۱۱

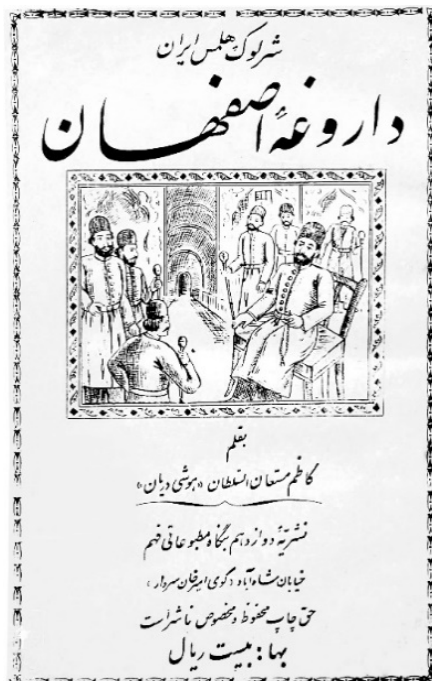
متأسفانه تیراژ این دو ترجمه از داستان‌های شرلوک هلمز و میزان استقبال خوانندگان فارسی‌زبان از این داستان‌ها بر ما معلوم نیست؛ اما سندی در دست است که می‌شود از آن تا حدودی به حسن توجه کتاب‌خوان‌های ایرانی نسبت به این داستان‌ها پی برد. این سند، اعلانی است که ۱۵ سال بعد از آن ترجمه‌ها در سال دهم روزنامهٔ رعده، شمارهٔ ۲۲۳ مورخ ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۳۸ق/ ۲۱ دی ۱۲۹۸ش/ ۱۲ ژانویه ۱۹۱۹م به چاپ رسیده است: (۵)

شبهای سه شنبه ۲۲ چهارشنبه ۲۳ پنجشنبه ۲۴ جدی

زبان فارسی
سینما پالاس (گراند هتل)

شرلوک هلمس

این پرده‌ها از نالیفات کنان دو بل نویسنده معروف است و تمام اهالی ایران خصوصاً آقایان تهرانیان رمان فارسی آنرا خوانده‌اند و میتوانند برای دیدن عین آرمان از امشب تشریف فرما بشوند
نمره ۱۰۷۰

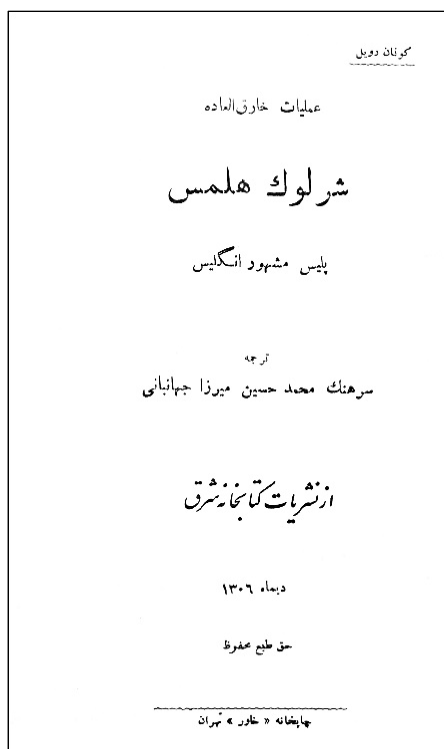


این اعلان که مربوط به یکی از اولین اقتباس‌های سینمایی از ماجراهای شرلوک هلمز است، هرچند خالی از اغراق تبلیغاتی نیست؛ اما نشان می‌دهد که شرلوک هلمز و نویسنده‌اش برای جمعیت کتاب‌خوان ایرانی در آن زمان شناخته‌شده بودند.

هلمز در دورهٔ پهلوی اول هم باید آن‌قدر مشهور بوده باشد که یک نویسندهٔ ایرانی نخستین داستان پلیسی فارسی و نخستین کارآگاه ایرانی را با اقتباس از اسم و رسم او خلق می‌کند: «صادق ممقلی داروغه اصفهان، شرلوک هلمس ایران»، نویسنده: کاظم مستعان (هوشی دریان)، ناشر: کتابخانه شرق (محمد رمضان)، طهران شهریور ۱۳۰۴ (چاپ دوم: بنگاه مطبوعاتی فهم).

از خومس تا هولمس // ۱۰۹

صحت مندرجات کتاب را به‌زودی می‌توان قبول نمود و مطالعه یادداشت‌های مزبور می‌تواند کاملاً طرف استفاده مأمورین کشف جنایات واقع گردد.



سرهنگ جهانبانی که مدتی بعد از این ترجمه به معاونت و سپس کفالت ژاندارمری کل کشور منصوب شد، زندگانی پر فراز و نشیبی داشت. او که درس خوانده مدارس نظامی روسیه بود، نخستین رئیس ستاد لشکر شرق بود؛ اما در ۱۳۱۷ پس از ماجراهای امان‌الله جهانبانی از ارتش اخراج شد. چند سال بعد با نوشتن عریضه به رضاشاه بر سر کار بازگشت و با درجه سرتیپی برای مدتی به ریاست شهربانی کل کشور منصوب شد. او در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ هم‌رکاب سرلشگر زاهدی بود و به سرپرستی وزارت کشور هم رسید. یک سال بعد از کودتا در حادثه تصادف و در سن ۶۱ سالگی درگذشت. از او دو ترجمه دیگر هم به‌قواره کتاب درآمده است: زن دربر از نویسنده

آلمانی آلبرت برابیر، ناشر: کتابخانه شرق (محمود رضایی)، آذرماه ۱۳۰۹ و نعت و خون در شرق، نویسنده: اسد بیک، نشر امین، خرداد ۱۳۲۹. (۸)

محمدحسین میرزا جهانبانی ظاهراً بی‌علاقه به شرلوک هولمز نبود چراکه در ترجمه‌اش وعده جلدهای بعدی را هم می‌دهد: «اینک جلد اول از کشفیات شرلوک هولمز را که حاوی شش فقره کشفیات شگفت‌انگیز مشارالیه است در دسترس قرائت هموطنان عزیزم گذاشته و امیدوارم موفقیت حاصل نمایم که مجلدات دیگر آن را نیز مرتباً تقدیم نمایم.»
عناوین شش داستانی که جهانبانی ترجمه کرده چنین است: «مجمع موقرمزان»، «واقعه فتنه‌انگیز در دوک‌نشین»، «اشتباه غریب»، «قتل مخفی در دره بسکمب»، «اداره غریب»، و «گدای زخم‌دار».

محمد رضانی هم‌زمان با انتشار ترجمه جهانبانی در کتابخانه شرق مشغول فعالیت‌های دیگری هم بود. مهم‌ترینش انتشار مجموعه جزوه‌های افسانه که اولین شماره آن در آبان‌ماه ۱۳۰۶ بیرون آمد و یک داستان از کائن دوپیل در همین شماره اول داشت: «معشوقه مومیایی» به ترجمه سلطان حمید امیرسلیمانی که البته از آن داستان‌های کائن دوپیل است که خبری از شرلوک هلمز در آن نیست. در شماره دیگری از افسانه، فروردین‌ماه ۱۳۰۷، عطاالله دیهیمی داستانی از دوپیل را با عنوان «شرلوک هلمز پادشاه ظلمت» ترجمه کرده است.

اما از اینها که بگذریم و جلوتر بیاییم باید از «بنگاه نشریات بریانی» یاد کنیم که در شناساندن شرلوک هلمز به خوانندگان ایرانی و خصوصاً جوان‌ها سنگ تمام گذاشت. شرلوک هلمس از عملیات حیرت‌انگیز یا جنایات عجیب سی و چهارمین کتاب از نشریات بریانی است که در ۱۳۱۹ با ترجمه یوسف صفوی منتشر شد. این کتاب شامل هشت دوسیه یا جزوه است و ترجمه نه داستان از ماجراهای شرلوک هلمز را در خود دارد که به صورت هفتگی منتشر شده‌اند. عنوان داستان‌ها از این قرار است: «مشاوره پلیس‌های مخفی»، «پاسبان مزار»، «در خرابات مادام کایانا»، «حرکت قطار راه آهن»، «قلب محزون پدر»، «یک کلمه دیگر»، «یک ازدواج غیرمناسب»، «یک نفر ماجراجو»، «اعجاز مورخین»، و «عاقبت دستگیر شد». پس از این کتاب، سی و پنجمین کتاب از نشریات بریانی هم نام هلمز را بر



روی جلد داشت و همان سال بیرون آمد، با یک عنوان کلی برای مجموعه: از عملیات شرلوک هولمس کارآگاه معروف لندن. این کتاب به ترجمه ابوتراب شایگان در ده دوسیه و هفته‌به‌هفته منتشر شد. بریانی البته در انتشار داستان‌ها، خالق و نویسنده آن را پشت سر گذاشت و سفارش ترجمه جزوه‌هایی را داد که تحت عنوان «ماجراهای شرلوک هولمز» به نام کانن دوپیل اما به قلم نویسندگان ترک، خلاصه و بازنویسی شده یا حتی از نو نوشته شده بودند. این جزوه‌ها که انتشار آنها به صورت هفتگی و در سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶ ادامه داشت، سه دوره مجموعاً شامل ۳۰ جزوه به ترجمه عبدالمطلب رزاق‌زاده هستند که هولمز را در موقعیت‌های متعدد جنایی و پلیسی قرار داده‌اند.



در کنار دوسیه‌های بریانی، ترجمه بدون تاریخی هم داریم که احتمالاً باید حوالی همین سال‌ها انجام شده باشد: ترجمه دکتر موسی بروخیم از تک داستان «آخرین مسأله» که به نام مرگ شرلوک هولمز در مطبوعاتی پروین منتشر شده است. اما در دهه سی و اگر دقیق‌تر باشیم در ۱۳۳۶، مجید مسعودی با ترجمه شش جلدی خود از ماجراهای شرلوک هولمز کاری اساسی به ثمر رساند. مجید مسعودی (تهران ۱۳۰۱- لندن ۱۳۷۰) پس از جنگ جهانی دوم به‌عنوان مترجم در وزارت دارایی و شرکت نفت مشغول به کار بود. در همان سالی که ترجمه‌اش از ماجراهای

شرلوک هولمز منتشر شد به انگلستان رفت، همکار بخش فارسی رادیو بی‌بی‌سی شد و تا آخر عمر هم همان‌جا در لندن ماند. از ترجمه‌های او باید از کتاب‌های زیر نام برد: تاریخ انگلستان از آندره موروا، فلسفه تاریخ ابن‌خلدون از محسن مهدی، تصویر یک زن از هنری جیمز، سفر بیکران از لورن آیسلی، همیشه عنبر از کاترین ویندوز؛ از ترجمه برحذر باش و

ندای وجدان از اشتفان تسوایک، افق گمشده از جیمس هیلتن و اسکار اموش از رافائل سابائینی. (۹)

تا قبل از مسعودی، داستان‌های شرلوک هلمز از عربی، روسی، ترکی و حتی فرانسه ترجمه می‌شدند. بنابراین مسعودی احتمالاً نخستین مترجمی است که با اصل انگلیسی داستان‌ها طرف شده است. او کمی قبل از مجموعه شش جلدی، در ۱۳۳۳ ترجمه‌ای را ظاهراً برای دست‌گرمی از دو داستان شرلوک هلمز در انتشاراتی «کانون دنیا و هنر» منتشر کرده است: «کشف هویت و جمعیت سرخ‌مویان». مسعودی در این ترجمه برای نخستین بار در زبان فارسی نام هلمز را به درستی به صورت «شرلاک هلمز» ضبط می‌کند. زنده‌یاد کریم امامی که بعدها خودش دست به کار ترجمه این داستان‌ها شد در مقدمه ترجمه‌اش به این نکته اشاره کرده است: «ضبط دقیق‌تر نام کارآگاه به فارسی شرلاک هومز است. ما با توجه به شهرتی که نام این شخصیت ادبی در زبان فارسی به صورت شرلوک هولمز پیدا کرده همان را به کار بردیم.» (۱۰) این همان اتفاقی است که در ترجمه شش جلدی مسعودی از داستان‌های هلمز افتاده است؛ بی‌آنکه به آن اشاره‌ای کرده باشد. او هم در شش جلد ترجمه‌اش از خیر «شرلاک» می‌گذرد و به شرلوک هلمز رضایت می‌دهد.

شش جلد ترجمه مسعودی شامل ۲۴ داستان کوتاه از ماجراهای شرلوک هلمز است. جلد اول: «پنج هسته نارنج، رسوایی در بوهم، انجمن سرخ‌مویان، قضیه هویت»، جلد دوم: «قتل مرموز در بوسکومب والی، ماجرای سه شیروانی، ماجرای ارباب رجوع سرشناس، سوء قصد جنایتکارانه نسبت به شرلوک هلمز، مردی که می‌خزید»، جلد سوم: «ماجرای سرباز رنگ‌باخته، ماجرای الماس مفقود، معمای پل ثور، زن نقاب‌پوش، شش مجسمه ناپلئون»، جلد چهارم: «خانه خالی، مرد رقااص، اشعه نقره‌ای»، جلد پنجم: «شاگرد، شیخ سیاه، حقه‌باز، خفاش خونخوار»، و جلد ششم: «دوچرخه‌سوار منزوی، قرارداد دریایی، ماجرای محله قدیمی چینی‌ها».

جالب اینکه بعدها وقتی کریم امامی هم برای ترجمه، دست به انتخاب داستان‌ها زد، ۲۴ داستان را از ماجراهای شرلوک هلمز انتخاب کرد. او در گفت‌وگویی به مسعودی و ترجمه‌اش چنین اشاره کرده است:

من چون اصل داستان‌ها را می‌خواندم چندان به خواندن ترجمه‌ها راغب نبودم و اگر هم [بعضی ترجمه‌ها] را می‌خواندم از سرکنجکاو بود. در مورد ترجمه‌های قدیمی



شرلوک هلمز که در لیست کتابشناسی‌ها هست، حقیقتاً در دوره جوانی‌ام به هیچ کدامشان برنخوردم. اما با مرور فهرست این ترجمه‌ها می‌بینم که مجید مسعودی، پنج جلد [۶ جلد صحیح است] از این کتاب‌ها را ترجمه کرده و می‌دانم که او مترجم قابل توجهی بوده که دوره آخر عمرش را هم در بی‌بی‌سی لندن کار می‌کرد. بنابراین احتمالاً می‌توان آثار او را جلدی گرفت.» (۱۱)

عجیب است که ترجمه روان و خواندنی مسعودی همان یک نوبت در ۱۳۳۶ به چاپ رسید و تجدید چاپ نشد که هیچ، به کلی فراموش شد. یک دلیلش شاید این باشد که او از همان سال‌ها به بعد در ایران حضور نداشت؛ اما عجیب‌تر اینکه بعد از ترجمه مسعودی وقتی به دهه چهل و پنجاه می‌رسیم، هیچ ترجمه دیگری از داستان‌های شرلوک هلمز نداریم. این قضیه شاید به خاطر آن باشد که شرلوک هلمز قافیه را به رقبای دیگری مثل مایک هامر و جانی دالر باخته است. حتی ترجمه‌هایی در آن سال‌ها داریم که از نام و معروفیت هلمز بهره‌برداری کرده‌اند؛ مثل مجموعه جزوه‌های عملیات هاری ویکسون شرلوک هلمز آمریکایی که نشر گوتمبرگ در اواخر دهه سی آنها را منتشر کرد. به این ترتیب بیش از بیست

سال خبری از شرلوک هولمز نبود. هرچند احتمالاً تلاش‌های ناکامی بوده است که از آنها بی‌اطلاعیم. یک نمونه‌اش را که خبر داریم ترجمه خود کریم امامی است:

وقتی به‌عنوان مترجم، تجربه‌ام را آغاز کردم، سراغ داستان‌های شرلوک هولمز رفتم که یکی‌اش «قصه یاقوت کیود» بود که ترجمه شد اما چاپ نشد. وقتی جسارت و جرئتم بیشتر شد کتاب *داستان چهار* را ترجمه کردم (آن روزها دیگر در دانشگاه بودم). حتی دادمش به ناشری به نام معرفت. آقای معرفت پایین خیابان لاله‌زار یک کتابفروشی هم داشت. کتاب را گرفت و گفت: من چاپ می‌کنم و جای حق‌التحریر ده درصد تیراژ را کتاب می‌دهم. می‌خواست کتاب را در ۱۰۰۰ نسخه چاپ کند که اگر چاپ می‌شد من صاحب ۱۰۰ نسخه کتاب می‌شدم. خلاصه یک سال طول کشید و کتاب را چاپ نکرد. رفتم سراغش و گفتم: چی شد آقای معرفت؟ گفت: نشد و چاپ نکردیم و... من ترجمه را پس گرفتم و گذاشتم تو کشوم. زندگی ادامه یافت و من به کارهای مختلفی پرداختم. پس از انقلاب بود که برخی ناشران متمایل شدند باز ترجمه‌های تازه‌ای از داستان‌های شرلوک هولمز چاپ کنند. به یکی از ناشران گفتم من چنین ترجمه‌ای دارم، اظهار علاقه کرد که آن را چاپ کند. برگشتم سراغ ترجمه که خوشبختانه حفظ شده بود (و گمان می‌کنم نسخه دست‌نویسش را هنوز در دفتری دارم) دیدم ترجمه چندان



اشکالی ندارد ولی زبانش را اصلاً نمی‌پسندیدم. دیدم اگر بنا باشد آن را به ناشر بدهم باید سر تا پایش را بازنویسی کنم این بود که از چاپش منصرف شدم.» (۱۲)

بدین ترتیب به سال‌های پس از انقلاب و دهه شصت می‌رسیم. درست در ۱۳۶۰ مترجمی با نام مستعار «آوا» دست به ترجمه هفت داستان از ماجراهای شرلوک هلمز زده است: «انجمن موقرمزها، مردی با لب‌های چاک خورده، انگشت قطع شده مهندس، بیمار تحت درمان، ناپدید شدن بانو فرانسیس کارفاکس، سه نفر به نام گارید ب، و ماجراهای ویستریا لاج». نام کامل کتاب این است: *ماجراهای کارآگاه شرلوک هلمز پدر بزرگ و استاد همه کارآگاهان جهان* که ناشری با عنوان هادی محمدپور در قطع جیبی منتشر کرده است و سال ۱۳۶۲ هم با طرح جلد تازه و ناشر جدیدی به نام «نشر آبکناری»، تجدید چاپ شده است. بر این ترجمه یکی از عجیب‌ترین مقدمه‌های فارسی بر داستان‌های شرلوک هلمز نوشته شده، مقدمه‌ای که به خوبی حال و هوای سیاست‌زده و ایدئولوژیک دهه شصت را نشان می‌دهد:

کارآگاه هلمز در دورانی ظهور می‌کند که سرمایه‌داران کشورهای صنعتی غرب در اوج مرحله انباشت سرمایه، مردم جهان و حتی مردم زحمتکش کشور خود را زیر فشار شدیدترین انواع استثمار قرار داده بودند. از طرف دیگر، بحران اقتصادی پریودیک، باعث بیکاری میلیون‌ها انسان می‌شد که برای ارتزاق خود و خانواده‌شان ناچار بودند دست به دزدی بزنند. و دزدی ناچار به جنایت ختم می‌شود زیرا با مقاومت صاحب کالا مواجه می‌شود. از همین دوران است که سیستم پلیسی مدرن از دل مؤسسات سرمایه‌داری غرب سر بر [می‌آورد] و به تمام جهان صادر می‌گردد و در حاشیه این سیستم، نوعی پلیس غیررسمی هم متولد می‌شود. هولمز یکی از آنان است ولی یک فرق اساسی با آنان دارد. او مثل آنان ماجراجو نیست و از قدرت بدنی استفاده نمی‌کند. او به شیوه‌های علمی و دیالکتیکی از مغز خود استفاده می‌کند.

جز ترجمه آوا، که ای کاش می‌دانستیم کیست، چیز دیگری از دهه شصت، دستانمان را نمی‌گیرد. شاید زمانه اجازه لذت بردن از ماجراهای شرلوک هلمز را نمی‌داده است یا شاید این داستان‌ها دیگر قدیمی به حساب می‌آمدند و خوانندگان ایرانی روشنفکرتر شده بودند.

اصولاً در انگلستان، رمان برای خواندن و لذت بردن است و نکته مشترک اکثر این قبیل آثار هم این است که خواندنشان بسیار لذتبخش است و شخصیت‌پردازی و خط داستانی و فراز و فرود دارند. اما اینجا دنبال آموزش و پیام و تکنیک نو و از این قبیل چیزها هستند و اگر اثری واجد این شرایط نباشد، جدی گرفته نمی‌شود. (۱۳)

از دهه شصت که بگذریم، دهه هفتاد اما دهه تولد دوباره این کارآگاه در ایران است. نمایش مجموعه تلویزیونی «ماجراهای شرلوک هلمز» با بازی جرمی برت در این نقش و صدآفرینی زنده یاد بهرام زند که سرپرست دوبلاژ این سریال بود و بعدها زبان گردانی این مجموعه را بهترین کار عمرش دانست، دلیل اصلی توجه دوباره به داستان‌های شرلوک هلمز است. این سریال که تولید آن از ۱۹۸۴ میلادی در شبکه ITV بریتانیا آغاز شد و تا ده سال به طول انجامید، اقتباسی وفادارانه از ماجراهای شرلوک هلمز به حساب می‌آید. ابتدا قرار بر این بود که هر چهار داستان بلند و همه ۵۶ داستان کوتاه کانون دوئل درباره شرلوک هلمز را به تصویر بکشد اما حیف که به دلیل مرگ ناگهانی جرمی برت ناتمام ماند. زبان گردانی و پخش چند فصل ساخته شده از داستان‌ها موجهی از ترجمه‌های فارسی را در پی داشت. ترجمه‌هایی که جز یکی دو مورد مثل ترجمه قاسم صنعوی (در دو کتاب: آخرین بدرود و سگ خانواده باسکرویل، انتشارات توس، ۱۳۷۳) باقی همه ترجمه‌هایی پراکنده و نه چندان دقیقند که حتی بعضی‌شان نسخه‌های خلاصه و بازنویسی شده را به عنوان متن اصلی گرفته‌اند. ترجمه‌هایی که به قول کریم امامی «خب خیلی درجه اول نبودند، اما بد هم نبودند... در واقع مترجمان سعی نکرده‌اند هنر خاصی به خرج دهند.» (۱۴)

اما در همین دهه هفتاد است که اتفاقی خوب و اساسی در زبان فارسی برای شرلوک هلمز رقم خورد. انتشارات طرح نو دست به انتشار یک مجموعه پلیسی با عنوان «کتاب‌های سیاه» زد و کریم امامی ترجمه‌های ماندگاری از ماجراهای شرلوک هلمز را برای این مجموعه ارائه داد:

جلد اول: *رسوایی در بوهم و پنج داستان دیگر*: شامل «انجمن موسرخ‌ها، پنج هسته پرتقال، مرد لب کج، یاقوت کبود، نوار خال‌خال». (چاپ اول: ۱۳۷۲)

جلد دوم: *برق نقره‌ای و پنج داستان دیگر*: شامل «انگشت شست مهندس، اشراف‌زاده مجرد، نیم‌تاج یاقوت، آله‌های سرخ، ماجرای کشتی گلوریا اسکات». (چاپ اول: ۱۳۷۲)

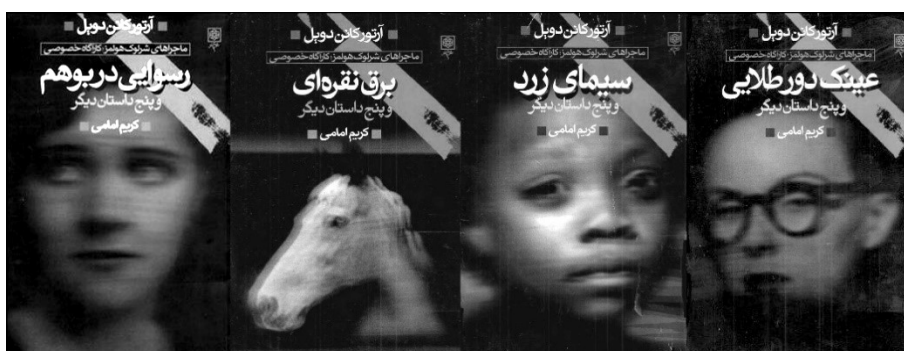
جلد سوم: *سیمای زرد و پنج داستان دیگر*: شامل «آیین ماسگریو، بیمار مقیم، مترجم یونانی، عهدنامه دریایی، آخرین مسأله». (چاپ اول: ۱۳۷۴)

جلد چهارم: *عینک دورطلابی و پنج داستان دیگر*: شامل «خانه خالی، دوچرخه‌سوار تنها، چالرز آگستوس میلورتن، شش ناپلئون، دومین لکه». (چاپ اول: ۱۳۷۷)

از خومس تا هولمس // ۱۱۷

کریم امامی در آخرین مصاحبه‌اش دربارهٔ انتخاب و ترجمهٔ داستان‌های این مجموعه، می‌گوید:

مجموعه کاملی از داستان‌های کوتاه هولمز را داشتم که به ترتیب زمانی مرتب شده بود. از ابتدا شروع به خواندن کردم و آنهایی که به نظر جالب‌تر بود انتخاب می‌کردم، خصوصاً آن قصه‌هایی را که استنتاج یا نتیجه‌گیری براساس شواهد کوچک (که یکی از رگه‌های جالب کار هولمز است) در آنها نمود بیشتری داشت. قصه‌ها را هم از نظر داستانی و هم خط فکری انتخاب و ترجمه می‌کردم. در اواسط کار بودیم که مجموعهٔ مفصل و کامل هولمز را انتشارات آکسفورد منتشر کرد [که] به مناسبت صدسالگی خلق او بود. این مجموعه علاوه بر اینکه شامل متن‌های کامل و شسته‌رفته است، توضیحات جالبی هم به قلم ویراستاران دارد. توضیح در مورد چیزهایی که ممکن است امروز مبهم باشد، یا درکشان مشکل باشد. این مجموعه که منتشر شد من براساس آن چاپ، کار انتخاب و ترجمه را پی گرفتم. حالا که نگاه می‌کنم می‌بینم این ۲۴ داستان، از داستان‌های خوب هولمز است و اگر روزی قرار باشد چیزی به آنها اضافه کنم، باید باز مجموعهٔ کامل را از ابتدا مرور کنم.» (۱۵)



زنده‌یاد کریم امامی در مقدمهٔ جلد اول ترجمه‌اش گوشه‌ای از فرآیند ترجمهٔ داستان‌ها را نیز بازگو می‌کند:

مترجم حاضر از دوران نوجوانی هوادار جدی شلوک هولمز بوده است و حتی یکی دو بار هم در بیست‌سالگی داستان‌هایی از عملیات او را برای خودش به فارسی ترجمه کرد... از این رو وقتی مترجم پیشنهاد ناشر حاضر را برای ارائهٔ ترجمهٔ تازه‌ای از ماجراهای شلوک هولمز به خوانندگان نسل امروز دریافت کرد آن را با خوشحالی پذیرفت، چون به

نوعی فرصت می‌یافت به یک آرزوی دیرین خود جامعه عمل ببوشاند... نظر مترجم در ابتدا استفاده از نوعی نثر قاجاری برای این داستان‌ها بود، ولی پس از مقداری دست‌گرمی و آزمایش از این فکر عدول کرد و به نثر معمول خود، که در حال به مرور ایام قدری کهنه‌نما شده است، بسنده کرد. سعی مترجم در نهایت، ارائه ترجمه کامل و درعین حال روانی از این داستان‌های خوب و ماندنی بوده است... (۱۶)

ریزه‌کاری‌هایی در ترجمه امامی هست که خودش بعضی از آنها را بیان کرده است:

من سعی کردم نکاتی را در ترجمه رعایت کنم، یکی از این موارد شکل رابطه دکتر واتسن با هولمز است. این دو ظاهراً دوست و هم‌خانه‌اند. اما یکی استاد است و دیگری شاگرد، یکی مراد است و آن یکی مرید. بنابراین مرید با احترام زیادی نسبت به مراد صحبت می‌کند در حالی که مراد که - خود هولمز باشد - کمی راحت‌تر است... در صرف افعال، واتسن همیشه از دوم شخص جمع استفاده می‌کند و هولمز از دوم شخص مفرد. همین است که می‌گوید: آقا واتسن... که حالت خودمانی‌تری دارد، تصور می‌کنم زبان بهترین راه نمایش رابطه این دو است. (۱۷)

امامی در ترجمه ماجراهای شرلوک هولمز از ۲۴ داستان جلوتر نرفت اما چه خوب که کار او را مژده دقیقی در نشر هرمس ادامه داد. چهار داستان بلند شرلوک هولمز را او بود که ترجمه کرد: *نشانه چهار* (چاپ اول: ۱۳۷۸)، *دره وحشت* (چاپ اول: ۱۳۷۸)، *تفود در قرمز لاکمی* (چاپ اول: ۱۳۸۰) و *درنده باسکرویل* (چاپ اول: ۱۳۸۳). ترجمه دو مجموعه از داستان‌های کوتاه هم به همت او انجام شد:

جعبه مقوایی و پنج داستان دیگر: شامل «مسأله هویت، راز دره باسکامب، کارمند بورس اوراق بهادار، ملاک رایگیت، مرد خمیده پشت». (چاپ اول: ۱۳۷۷)
حلقه سرخ و پنج داستان دیگر: شامل «عمارت ویستریا، نقشه‌های بورس پارتینگتن، پای شیطان، ناپدید شدن لیدی فرانسیس کارفکس، کارآگاه محتضر». (چاپ اول: ۱۳۸۸)

نشر هرمس ترجمه باقی داستان‌ها را با حشمت‌الله صباغی پی‌گرفت:

خون آشام ساسکس و شش داستان دیگر: شامل «معمار نورود، سه چهارم گمشده، مرد خزنده، سه دانشجو، سه گری‌دب، آخرین خدمت» (چاپ اول: ۱۳۹۴)

مردان رقصان و پنج داستان دیگر: شامل «مدرسه پرایوری، پیت سیاه، سنگ مازارین، معمای پل تور، سه سنتوری» (چاپ اول: ۱۳۹۵)
سریاز رنگ پریده و شش داستان دیگر: شامل «آبی گرنج، رنگ ساز بازنشسته، عمارت قدیمی شاسکوم، مستأجر برقع پوش، موکل سرشناس، یال شیر» (چاپ اول: ۱۳۹۶)

سرانجام به سعی و همت سه مترجم و دو ناشر، دوره کاملی از ماجراهای شرلوک هلمز را داریم که البته این پایان راه نیست. شرلوک هلمز هنوز که هنوز است زنده است و نفس می کشد. باور ندارید، سندش گفته کاوه میرعباسی است:

بیش از هزار رمان سراغ دارم که پرسوناژ اصلی آنها شرلوک هلمز است. حتی الان مجموعه‌ای به زبان انگلیسی تحت عنوان *ماجراهای جدید شرلوک هلمز* در دست انتشار است. در مجموعه داستان‌های پلیسی که برای نشر قطره سرپرستی می‌کنم، جدیدترین ماجراهای شرلوک هلمز که سال ۲۰۱۸ درآمده، در دست ترجمه است. در این داستان‌ها شرلوک هلمز را با بسیاری از شخصیت‌های واقعی و داستانی پیوند داده‌اند؛ به طور مثال دکتر جکیل و آقای هاید را داریم که شرلوک هلمز وارد داستان آنها می‌شود. شرلوک هلمز علیه دراکولا را داریم. یا شرلوک هلمز با تارزان. او را در تمام دوره‌ها داریم و فقط هم خود شرلوک هلمز نیست حتی افرادی هم که با این شخصیت در ارتباط بوده‌اند. مثلاً آیرین آدلر که در داستان رسوایی در کشور بوهم حریف شرلوک هلمز بود و حالا برخی هم براساس زندگینامه خیالی یا در واقع گاه‌شمار زندگی شرلوک، داستان‌پردازی کرده‌اند و گفته‌اند آیرین تنها عشق شرلوک هلمز بود؛ بسیاری هم ماجراهای همین آیرین آدلر را نوشته‌اند. یا برای دشمن بزرگ شرلوک هلمز که پروفیسور جیمز موریارتی است هم ماجراها نوشته‌اند. برای کودکی‌های شرلوک هلمز هم ماجراها نوشته‌اند. برای برادرش میکرافت هم ماجرای با عنوان مردی از باشگاه دیوژن ساخته و پرداخته‌اند.» (۱۸)

حالا در نشر قطره «کتابخانه شرلوک هلمز» را داریم که زیر نظر کاوه میرعباسی این مجموعه از ادبیات پلیسی اداره می‌شود. ما نیز هم چنان با دل و جان دوره می‌کنیم ماجراهای این کارآگاه جذاب و دوست‌داشتنی را.

پانوش:

(۱) «مترجمی که اخیراً تمام این کتاب را به فارسی برگردانده از خیر ترجمه دقیق عنوان گذشته و آن را در فارسی «عطش انتقام» نام نهاده است. مترجمان دیگری که در معرفی شرلوک هولمز و آفریننده

آن مطلبی در مقدمه کتاب‌های خود آورده‌اند. هر کدام عنوان این کتاب را به شکل متفاوتی به فارسی برگردانده‌اند. مترجم «الف» نوشته است «اتاق مطالعه‌ای به رنگ سرخ»، مترجم «ب» نوشته است «اتاق سرخ» و مترجم «ج» «اتود در قرمز لاکی». کدام ترجمه بهتر است؟» به نقل از کریم امامی: کارگاه ترجمه ۱، «ترجمه عنوان یک کتاب»، فصلنامه مترجم، سال سوم، شماره‌های ۱۳ و ۱۴، صص ۹۶ تا ۷.

(۲) برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به زهرا اسماعیلی: «برگ‌هایی از تاریخ ترجمه (پلیس لندن)»، فصلنامه مترجم، سال بیست و سوم، شماره ۵۵، صص ۵۲ تا ۴۵.

(۳) بهزاد رحیمیان: *رویای صادقه*، تهران: چاپ و نشر نظر ۱۳۹۵، ص ۹۳.

(۴) داریوش شهبازی: «چاپ نخستین کتاب حسابداری در تهران»، *روزنامه دنیای اقتصاد*، شماره ۴۵۱۱، سه‌شنبه ۱۱ دی ۱۳۹۷.

(۵) عباس بهارلو: *روزشمار سینمای ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه*، تهران: فرهنگستان هنر ۱۳۸۹، ص ۱۴۶. این اعلان مطبوعاتی مربوط به یکی از قدیمی‌ترین اقتباس‌های سینمایی از شرلوک هلمز به کارگردانی آرتور برتلت، صامت و محصول ۱۹۱۶ میلادی است. چنین گمان می‌رفت که این فیلم برای همیشه مفقود شده اما سال ۱۳۹۳ نسخه‌ای از آن در آرشیو سینماتک فرانسه یافت شد.

(۶) درباره نخستین ترجمه‌ها از انگلیسی به فارسی رجوع کنید به سعید نفیسی: «ادبیات انگلیس در ایران»، *نشریه وزارت امور خارجه*، شماره ۷، شهریور ۱۳۳۸ بازنشر در *مقالات سعید نفیسی*، جلد دوم، به کوشش کریم اصفهانیان و محمدرسول دریاگشت، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۹۰.

(۷) *روزنامه شفق سرخ*، ش ۱۷۲، ۱۰ سنبله ۱۳۰۲ به نقل از مسعود کوهستانی نژاد: *اخبار و اعلان کتاب و کتابخانه به روایت مطبوعات ۱۳۰۴ تا ۱۲۸۵*، تهران: خانه کتاب ایران ۱۳۹۵، ص ۲۹.

(۸) به نقل از مدخل «خاندان جهانبانی» در دانشنامه حوزوی ویکی‌فقه خاندان_جهانبانی (<http://wikifeqh.ir/>).

(۹) به نقل از مدخل «مسعودی، مجید» در دانشنامه آزاد پارسی ویکی‌جو (<http://wikijoo.ir/>).

(۱۰) کریم امامی: *چند نکته در برق نقره‌ای و پنج داستان دیگر*، تهران: طرح نو ۱۳۷۲، ص ۷.

(۱۱)، (۱۲)، (۱۳)، (۱۴)، (۱۵) و (۱۷) «آخرین گفتگو با کریم امامی»، سروش روجبخش ۱۳۸۳، به نقل از وبلاگ خواب بزرگ (<http://bigsleep.blogfa.com/post/2>).

(۱۶) کریم امامی، «پیشگفتار»، *رسوایی در بوهم و پنج داستان دیگر*، تهران: طرح نو ۱۳۷۲، ص ۱۱.

(۱۸) کاوه میرعباسی، «شرلوک هلمز نخستین ابرکار آگاه ادبیات پلیسی»، *روزنامه اعتماد*، شماره

۴۳۷۳، چهارشنبه ۱ خرداد ۱۳۹۸.